



نیز بسیار جذاب و خواندنی است. شاید یکی از دلایلی که کتاب شهید ثامنی بیشتر دیده شد نیز همین مسئله باشد.

مسئله دیگری که من درباره به تصویر کشیدن آن دغدغه داشتم، روایت انسان جنگ در سوریه و روایت جنگ مدافعان حرم ما در سوریه است. متأسفانه ما در این زمینه هنوز هم دچار ضعف هستیم. ادبیات پایداری ما در حوزه زندگی‌نامه‌نویسی شهدای مدافع حرم نه تنها ضعیف بلکه خالی از این ماجرا است. علت آن را نمی‌دانم که چرا بعضی از انتشاراتی‌هایی که در این حوزه فعال هستند تعمداً نسبت به این مسئله بی‌توجهی می‌کنند و کتاب‌هایی که درباره شهدای مدافع حرم ایرانی نوشته می‌شود در زندگی‌نامه‌ها آنها خبری از جنگ نیست.

بد نیست در این زمینه تحقیقی صورت بگیرد که چرا این اتفاق افتاده است. چرا نویسندگان و ناشرین از نگارش درباره جنگ شهید مدافع حرم چشم‌پوشی می‌کنند. من سعی کردم در این کتاب زندگی انسان جنگ در سوریه را به تصویر بکشم.

### در کتاب‌هایی که دارید برش‌های

مختلف تاریخ انقلاب اسلامی دیده می‌شود.

از عباس ورامینی و تسخیر لانه جاسوسی تا

شهید ثامنی و پرداختن به مدافعین حرم. در

این بین هم به روایت جنگ در «عملیات

عطش» نگاه داشتیم و هم به لطافت مادرانه

در «مگر چشم تو دریاست». می‌خواهم از

استمرار گفتمان انقلاب اسلامی در این

کتاب‌ها از شما بشنوم. چقدر زنده بودن این

استمرار گفتمان در روند تحقیق‌ها و

پژوهش‌هایتان برای کتاب‌ها ملموس بوده؟

گفتمان انقلاب اسلامی و نهضت امام خمینی (ره) در تمام کارهایم از جمله زندگی‌نامه شهدا، زندگی‌نامه مادر شهید و زندگی‌نامه شهید مدافع حرم و حتی روایت واقعه تنگه ابوقریب که نوشتم و تمام کارهایی که در این حوزه انجام دادم، جریان دارد. همه این کارها تشعشعاتی از گفتمان انقلاب اسلامی است. خدا را شکر می‌کنم که اولین تجربه جدی من در حوزه نویسندگی کتابی در رابطه با انقلاب اسلامی و امام خمینی (ره) بود. می‌توانم بگویم نگارش این کتاب بر فضای فکری من بسیار تأثیرگذار بود.

### این کتابتان کمتر دیده شده است.

این کتاب را تقریباً ۱۵ سال قبل با عنوان «امام خمینی (ره) و رسالت جهانی هدایت» در شرح و تفسیر پیام تاریخی امام به گورباچف نوشتم. مطلبی که از آن سال‌ها برایم به یادگار مانده است این است که دنیای امروز ما دنیای امام خمینی و دنیای تقابل دو جبهه مستکبر و مستضعف است. همه حوادث و آدم‌های این دنیا را می‌توان در این قاعده گذاشت و با آن سنجید. به نظر من این فراگیرترین پیام امام است که نه تنها انقلاب‌های اسلامی بلکه تمام انقلاب‌های مستضعفان دنیا علیه مستکبران عالم در این پیام می‌گنجد. هر جایی از عالم که عده‌ای بر ضد نظام استکباری جهان به سرمداری آمریکا خروش می‌کنند را می‌توان در قالب گفتمان انقلاب اسلامی دانست. تمام کتاب‌ها و فعالیت‌های این حوزه ارتباط مستقیم با گفتمان انقلاب اسلامی دارد و این طبیعی‌ترین و بدیهی‌ترین اتفاقی است که رخ می‌دهد.

از کف دادم و بسیاری اوقات در فضای مجازی از حالت‌های خودم در رابطه با شهید ثامنی صحبت کردم و حرف‌های دلم را زدم. بیانش برایم بسیار سخت است. بیان اینکه چطور به این آدم نزدیک شدم و چطور این شهید بزرگوار به من اجازه داد به او نزدیک شوم!

### این نزدیکی از کجانشأت می‌گیرد؟

شهید ثامنی همشهری من است. ما هر دو بچه ورامین هستیم. من در یادگانی خدمت کردم که ایشان هم در همان یادگان خدمت کرده. هرچه بیشتر با زندگی ایشان آشنا می‌شدم و جلوتر می‌رفتم متوجه می‌شدم که انگار می‌توانستیم به هم نزدیک شویم. حتی



محل سکونت ما هم به هم نزدیک بود اما من ایشان را نمی‌شناختم. ما هم سن و سال هم بودیم و ایشان هم عصر ما بود. این شباهت‌ها و نزدیکی‌ها تأثیر زیادی روی من گذاشت. بخشی از این احساس انس و نزدیکی نیز به توانمندی و توانایی‌های عجیب این شهید عزیز در حوزه‌های مختلف روابط اجتماعی، مدیریتی، نظامی و غیره برمی‌گردد. استعدادی که مرا به خضوع و خشوع در برابر خود وامی‌داشت و مرا وادار می‌کرد به بزرگی او و کوچکی خودم اعتراف کنم. سخن گفتن از رابطه‌ام با این شهید برایم بسیار سخت است. رابطه‌ای که بین ماست یک رابطه معنوی و عاطفی است که شاید نتوان به حیطه تعریف آورد.

بسیاری از شهدایی که من روایت زندگی‌شان را نوشتم شاید صحنه شهادت خیلی جذابی نداشتند. مانند شهید جولایی که در یک حادثه تصادف به شهادت رسید. شهید پرویز محبی که ایشان هم در یک سانحه تصادف ترور شد و به شهادت رسید. شهید حاج عباس آقایی ورامینی به محض اینکه وارد سنگر می‌شود یک خمپاره به سنگر می‌خورد و ایشان به شهادت می‌رسد و یا شهیدان جنیدی که روایت دقیقی از شهادت ایشان وجود ندارد و روایت‌هایی از شاهدان ماجرا با چند دست چرخیدن به خانواده شهید رسیده است. اما روایت شهادت شهید مهدی ثامنی بسیار متفاوت است. با توجه به نوع شهادت ایشان و اتفاقی که در آن عملیات و در صحنه شهادتش رقم می‌خورد با دیگر شهدایی که من روایت کردم بسیار متفاوت است.

از آنجایی که این حادثه، حادثه جدیدی است و در دهه ۹۰ اتفاق افتاده و روایت بسیار دقیقی از آن وجود دارد، نگارش درباره شهادت ایشان

### در مدت نگارش این کتاب بیشتر کدام جنبه‌های زندگی حاج خانم جنیدی برایتان جالب بود؟

تلاش من در این کتاب این بود که زندگی و نگاه این زن به زندگی و دغدغه‌هایش را به تصویر بکشم و بگویم نتیجه زندگی کسی که اینطور زندگی می‌کند و این دغدغه‌ها را دارد، چنین ایثارها، جهادها و شهادت‌هایی است.

از آنجایی که حاج خانم جنیدی روایت‌های بسیار دقیقی از دوران کودکی و نوجوانی خود به خاطر داشت، توانستم سبک زندگی ایرانی اسلامی و سنتی دهه‌های ۳۰ و ۴۰ و ۵۰ ایران قدیم در یک شهرستان در اطراف تهران، به نام پیشوا را در کتاب به تصویر بکشم. تفاوت این کتاب با بسیاری از کتاب‌های شبیه به این که به زندگی مادران و همسران شهدا پرداختند در همین روایت دقیق، با جزئیات و مفصل زندگی ایشان است. بیان دغدغه‌های متشرعانه و اجتماعی یک زن در جدال فرهنگ سنتی دینی با مظاهر جدید تمدن پیش از انقلاب در این کتاب صورت گرفته است. در این کتاب زندگی زنی به تصویر کشیده شده است که در بستر یک خانواده سنتی رشد می‌کند اما در زمان فعالیت‌های انقلابی و شروع نهضت امام خمینی (ره) حضور در این مسیر برای او رقم می‌خورد.

### به شهید ثامنی در «ماجرای عجیب

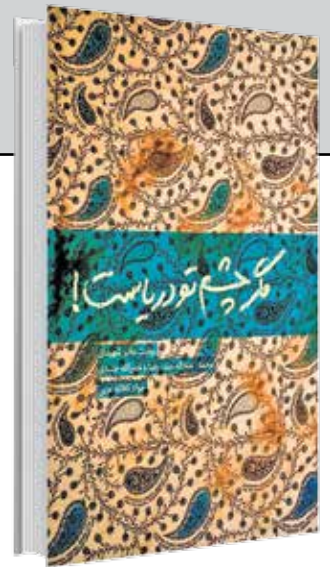
یک جشن تولد» پرداختید که به تازگی هم

مجدداً مورد تقدیر قرار گرفت. این کتاب را

انگار بیشتر از باقی دوست دارید. این

برداشت از رابطه شما با کتاب درست است؟

شما درست می‌فرمایید، شاید من این کتاب را بیشتر از کتاب‌های دیگرم دوست داشته باشم، البته نه کتاب بلکه موضوع کتاب را که «شهید مهدی ثامنی» است. تقریباً در دو سه سالی که دوران نوشتن کتاب طول کشید با این شهید زندگی کردم و توانستم ارتباط خوبی با ایشان برقرار کنم. بهتر است بگویم ایشان ارتباط خوبی با من برقرار کرد و اجازه داد به او نزدیک بشوم. اگر روابط عاطفی، معنوی و احساسی با موضوعات کتاب‌هایم داشتم سعی کردم کمتر آن را بروز بدهم. در کتاب‌ها که اصلاً بروز ندادم و این ساحت‌ها را کاملاً از هم جدا کردم، اما در مورد این شهید بزرگوار شاید بتوان گفت عنان



آن فیلم با واقعیت قائل شد. اگر فیلمی آنقدر ظرفیت ندارد که بتوان جزئیاتش را به تصویر کشید اساساً چرا باید به این موضوع پرداخته شود و اگر واقعه و شخصیتی ظرفیت لازم را دارد و جزئیات به اندازه کافی از آن وجود دارد باید به واقعیت ماجرا پرداخته شود بدون اینکه دخل و تصرفی در آن صورت بگیرد.

نگاه‌های غیر کارشناسی و ناآگاه باعث شده عناصر غیر مرتبط وارد کتاب‌های حوزه مستندنگاری شود. بنابراین امروز دغدغه مهم در حوزه مستندنگاری این است که روایت از واقعه‌ها با انسان‌ها از اصالت و واقعیت خود دور نشوند.

### شما کتابی دارید با عنوان «مگر چشم تو

دریاست» که به زندگی و زمانه یک مادر

شهید پرداخته‌اید. از ظرافت‌های روایت

مادرانه برایمان بگویید.

یکی از اتهام‌هایی که به بنده وارد می‌شود این است که من ماجرای فراگیر جنگ را که ابعاد بسیار مختلف، متفاوت و ساحت‌های گوناگونی دارد را مورد توجه قرار نداده و صرفاً به مسائل نظامی جنگ اهمیت دادم، در صورتی که اینطور نیست. نگارش زندگی‌نامه یک مادر شهید که مادر چهار شهید است نشان از دغدغه فراگیرم نسبت به مسئله دفاع مقدس دارد. جنگ گستره وسیعی دارد که از خط مقدم نبرد، جایی که رزمندگان ما گلوله خود را به سمت دشمن شلیک می‌کند شروع می‌شود و تا خاکریز، خانه‌های مردم، مادر شهید، همسر شهید، نیروی پشتیبانی و بسیاری از عناصر دیگر ادامه پیدا می‌کند. جنگ همه ابعاد و اجزای یک جامعه را درگیر خود می‌کند. این نگاه من به جنگ است و نگارش زندگی‌نامه این مادر شهید نیز از همین باب بوده است. مادران شهدا یکی از وجوه جنگ هستند و روایت زندگی آنها روایت یکی از ساحت‌های جنگ است.

دومین کتابم در حوزه دفاع مقدس «مگر چشم تو دریاست» بود. رزمندگان ما و کسانی که از دین، خاک و ناموس مملکت خود دفاع کردند در کنار همین مادرها رشد و تربیت یافتند. تمام رزمندگان مدیون مادران‌شان هستند. شهدا تربیت شده مکتب مادران خود هستند. بدیهی‌ترین اتفاق این است که ما از مادران شهدا بنویسیم به خصوص درباره مادر شهیدی که صاحب چهار فرزند شهید است. آنچه که من می‌خواستم در این کتاب به تصویر بکشم نوع نگاه مادر شهید، حاج خانم جنیدی به زندگی بود. نوع نگاهی که می‌تواند چهار فرزند را در راه خدا هدیه کند. نگاه و ایده‌هایی که این مادر برای زندگی خود دارد. زندگی‌ای که خروجی آن چهار مجاهد در راه خدا و چهار شهید است.

